

## تحلیل انتقادی گفتمان کتاب Reader's Choice بر اساس

### چهارچوب هاج و کرس

\* دکتر ناصر رشیدی

\*\* مریم زارعی

#### چکیده

تحقیق حاضر به تحلیل گفتمان انتقادی کتاب "Reader's Choice" می‌پردازد. هدف این تحقیق بررسی میزان پنهان کاری و جهت‌گیریهای ایدئولوژیکی در کتاب مذکور است؛ و این که آیا محتوای این کتاب برای متنی درسی مناسب است یا خیر؟ به این منظور، چهار متن درک مطلب از کتاب نامبرده به طور اتفاقی انتخاب شده است. این متون عبارت‌اند از: "the midnight visitor"، "sonar for the Blind"، "pockety women unite?" و "the 800th lifetime". ساختارهای گفتمان مدار این چهار متن بر اساس چهارچوب هاج و کرس (1996) بررسی شده است. این چهارچوب از چهار مقولۀ نام‌دهی، اسم‌سازی، جملات معلوم در مقابل مجهول و جملات کنشی در مقابل اسنادی تشکیل شده است؛ و در آن فراوانی به‌کارگیری ساختارهای گفتمان مدار محاسبه گردیده است. نتایج این تحقیق نشان دهنده نبود جهت‌گیریهای فردی و اجتماعی و عدم پنهان کاری است؛ و این که این کتاب با توجه به فاکتورهای مورد نظر تحقیق حاضر، کتاب درسی مناسبی است.

#### واژه‌های کلیدی

تحلیل گفتمان انتقادی، ساختارهای گفتمان مدار، ایدئولوژی، جهت‌گیریهای فردی و اجتماعی، پنهان‌سازی

---

\* دانشیار دانشگاه شیراز (Nrashidi@rose.shirazu.ac.ir)

\*\* کارشناس ارشد زبان‌شناسی (zarey\_maryam@ymail.com)

تاریخ پذیرش: 91/6/20

تاریخ دریافت: 91/3/19

## مقدمه

تحلیل گفتمان (Discourse Analysis) به شماری از رویکردها اطلاق می‌شود که برای تحلیل کاربرد زبان نوشتاری، گفتاری، اشاره‌ای یا هر نوع کاربرد نمادین به کار برده می‌شود. اصول فکری تحلیل گفتمان فراتر از تحلیل متن یا نوشتار یا تحلیل گفتار است. در تحلیل گفتمان به شرایط اجتماعی، زمینه وقوع متن نوشتار یا گفتار، ارتباطات غیر کلامی و رابطه ساختار و واژه‌ها در گزاره‌ای کلی نگریسته می‌شود. امروزه تحلیل گفتمان به گرایش‌های بین رشته‌ای در علوم اجتماعی تبدیل شده است و در زبان‌شناسی، مردم‌شناسی، روان‌شناسی شناختی، روان‌شناسی اجتماعی، روابط بین‌الملل، جغرافیای مردمی، ارتباطات و ترجمه به کار گرفته می‌شود.

به طور کلی دو رویکرد برای تحلیل گفتمان وجود دارد: توصیفی و انتقادی. از آنجا که مطالعه حاضر با رویکرد انتقادی انجام شده است، به بررسی این رویکرد می‌پردازیم. یار محمدی (1383: 4) «تحلیل گفتمان انتقادی» (critical discourse analysis) را این گونه تعریف می‌کند: «تحلیل گفتمان انتقادی گونه‌ای از تحلیل گفتمان است که به مطالعه استفاده غیرقانونی از قدرت، برتری و نابرابری موجود در بافت سیاسی و اجتماعی از طریق گفتار و نوشتار می‌پردازد.» و به گفته وندایک (1998: 45) تحلیل گفتمان انتقادی گونه‌ای از پژوهش تحلیلی گفتمان است که در ابتدا به بررسی این واقعیت می‌پردازد که چگونه سوء استفاده از قدرت اجتماعی، تفوق و نابرابری توسط متن و گفته در بافت اجتماعی و سیاسی، اجرا و تولید می‌شود و استمرار می‌یابد.

در رویکرد انتقادی، ایدئولوژی از مباحث کلیدی محسوب می‌شود، و همان طور که یار محمدی (1385) می‌گوید، در تحلیل گفتمان انتقادی، رابطه بین ساختارهای گفتمان مدار و ایدئولوژیهای اجتماعی حاکم بر تولید گفتمان، مطالعه و توصیف می‌شود؛ و به بیانی دیگر، ساختارهای گفتمان مدار عناصر زبانی، تاریخی و اجتماعی هستند که ایدئولوژیهای اجتماعی خاصی را منعکس می‌کنند. فرکلاف (1993: 135) نیز معتقد است: تحلیل گفتمان انتقادی که هدفش بررسی سازمان مدار روابط مبهم میان متون، رویدادها و بافتهای گفتمان مدار و ساختارها و روابط فرهنگی و اجتماعی وسیع تر است، به مطالعه این موضوع می‌پردازد که چگونه این رویدادها و متون به صورت ایدئولوژیکی از روابط قدرت و درگیری بر سر قدرت، برخاسته و شکل گرفته است؛ و چگونه است که ابهام روابط بین گفتمان و جامعه خود عاملی برای تضمین قدرت و نابرابری است. با توجه به اهمیت ایدئولوژی در تحلیل گفتمان انتقادی، هاج و کرس (1996)

کوشیده‌اند که تعریف روشنی از ایدئولوژی ارائه دهند؛ و در نهایت تعریفی که آنها از ایدئولوژی ارائه می‌دهند این گونه است: واقعیت ساخته شده توسط اجتماع، بسته به اینکه چگونه گوینده یا نویسنده آن را تصور می‌کند، ممکن است کاملاً با خود واقعیت فرق نماید و این تصور همان «ایدئولوژی» است. از این رو، واقعیت بیان شده توسط زبان همانند واقعیت آغازین درک شده توسط گوینده یا نویسنده نیست؛ ما هر آنچه را که از دنیا انتظار داریم درک می‌کنیم.

بنابراین، کلمات و ساختاری که گوینده یا نویسنده به کار می‌برد، به هیچ وجه اتفاقی نیست، بلکه وی بسته به تصویری که در ذهن دارد از میان شماری گزینه موجود در زبان آنها را انتخاب می‌کند؛ و در این صورت است که آن «کلمات و ساختار انتخابی» به عنوان ایدئولوژی در نظر گرفته می‌شود.

پژوهشگران زیادی در زمینه‌های گوناگون پژوهشهایی براساس تحلیل گفتمان انتقادی و با تأکید بر ایدئولوژی انجام داده‌اند. در سیاست، می‌توان از مهدیان و همکاران (2013)، وانگ (2010)، بنوآ و هنسن (2009)، هرواث (2009)، دقت (1388)، ایستر (2008) نام برد که همگی آنها سخنان رئیس جمهورهای امریکا را بررسی کرده و استراتژی‌هایی را که کار ایشان بر اساس تحلیل گفتمان انتقادی به کار برده‌اند تبیین کرده‌اند. فیری (2013)، انگلیش (2012)، هونوراتا (2010)، اصغرزاده (2009)، دواتگرزاده (1386)، عمل صالح (2004)، محصل باشوق (2003)، برتیمیر (2003) و اوتلوسکی (2003) مطالعاتی انتقادی بر متون آموزش زبان انجام داده‌اند. هدف اصلی این مطالعات نشان دادن این واقعیت است که چگونه بازنمایی‌های به کار گرفته شده در متون، واقعیت‌های هنجاری و اجتماعی خاص مانند ماهیت و ذهنیت را می‌سازند.

ایدئولوژی در تبلیغات و رسانه‌های خبری نیز مورد توجه بوده است؛ و بسیاری از این مطالعات برای نشان دادن تکنیک‌های متقاعد سازی و ایدئولوژی‌های پنهان است. ماونگا (2013)، کور و همکاران (2013)، نجفیان و کتابی (2011) مطالعاتی درباره تبلیغات انجام داده و راه‌های متقاعد کردن مشتریان را نشان داده‌اند. لی (2010)، یارمحمدی و رشیدی (1382)، خسروی نیک (1379)، گلسیسکی و مارلی (1998) و هاز و همکاران (1996) کوشیده‌اند تا روابط میان گزینه‌های خاص صورتهای زبانی و ایدئولوژیها و روابط قدرتی را که در پشت این صورتهای نهفته‌اند نشان دهند.

مطالعاتی انتقادی نیز بر متون ادبی و غالباً بر داستانها انجام شده است. در این مطالعات، جنس، سن و طبقه اجتماعی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. نمونه ای از ملاحظات سنی را فوزیه (2004) انجام داده است که نشان می‌دهد چگونه عناصر گفتمان

مدار خاص، بازنمایی ایدئولوژیهای خاص در داستانهای کودکان و بزرگسالان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. نوروزی (1385)، هابسن (2003) و اسمیت (2002) مطالعات خود را در داستانها بر اساس جنس انجام داده‌اند؛ و به نظر می‌رسد که بیشتر این مطالعات سمت و سوی فمینیستی دارند. در این پژوهشها تلاش بر این است که وضعیت بد زنان و عدم حمایت آنها از سوی جامعه نشان داده شود. سرانجام از مطالعه کالینز (1999) به عنوان نمونه‌ای از بررسی طبقه اجتماعی در ادبیات می‌توان نام برد. وی اثر هاسپکس را بررسی کرده است و به نظر وی، آزادی بخشی ادبیات را باید از طریق نقد توسعه بخشید. مطالعه حاضر نیز با به کارگیری چهارچوب هاج و کرس (1996)، بر آن است که نشان دهد کتاب "Reader's Choice" که به عنوان کتاب درسی برای آموزش درک مطلب در بسیاری از دانشگاهها تدریس می‌شود از چه ویژگیهایی برخوردار است.

### اهداف و سؤالات تحقیق

هدف از مطالعه حاضر بررسی و تحلیل انتقادی گفتمان کتاب درسی Reader's Choice است تا نشان دهد که این کتاب دارای چه ویژگیهای گفتمانی است. به عبارت دیگر، این مطالعه درصدد پاسخگویی به سؤالات زیر است:

1. کتاب Reader's Choice کدامیک از مؤلفه‌های مدل انتقادی گفتمان هاج و کرس (1996) را در بر دارد؟
2. آیا کتاب مورد مطالعه جهت‌گیری ایدئولوژیک خاصی را دنبال می‌کند؟
3. اگر پاسخ سوال مثبت است کدام ایدئولوژی را دنبال می‌کند؟
4. آیا این کتاب یک کتاب درسی مناسب است؟

### اهمیت تحقیق

"Reader's Choice" کتابی پر کاربرد در مؤسسات عالی کشور است و در بسیاری از دانشگاهها برای تدریس درک مطلب زبان انگلیسی به کار می‌رود. از آنجا که انتخاب کتاب مناسب به اندازه استاد و محیط آموزشی مناسب اهمیت دارد، دقت در انتخاب کتاب درسی، پیش از معرفی و تدریس آن ضروری می‌نماید. تحقیق حاضر با هدف بررسی نقاط قوتی چند از کتاب مذکور، اهمیت خود را آشکارا بیان می‌دارد.

## روش تحقیق

### پیکره

چهار متن درک مطلب به طور تصادفی از کتاب

“Reader’s Choice: A Reading Textbook for Students of English as a Second Language” نوشته مارگارت بادوین و همکاران، انتخاب شده است. این متون عبارت‌اند از: “The Midnight Visitor”, “Sonar for the Blind”, “Pocket Women Unite?”, “The 800 th Lifetime”.

### نحوه جمع‌آوری اطلاعات

تمامی ساختارهای گفتمان مدار در این متون مطالعه گردیده و مقولات زبان‌شناختی و دستوری آنها یک به یک بررسی و تجزیه و تحلیل و شمارش شده است.

### چهارچوب تئوری

مقاله حاضر ساختارهای گفتمان مدار را بر اساس چهارچوب هاج و کرس (1996) تحلیل کرده است. علت انتخاب این چهارچوب، شهرت آن نزد بیشتر زبان‌شناسان و وضوح و روشنی آن در طبقه‌بندی و توضیح عناصر تشکیل دهنده آن است. این چهارچوب از چهار جزء اصلی تشکیل شده است:

1. نام‌دهی؛
2. اسم‌سازی؛
3. جملات مجهول در مقابل معلوم؛
4. جملات کنشی در مقابل جملات نسبی.

### 1. نام‌دهی

استفاده و کاربرد نامها برای انسان، اشیاء و حوادث، دیدگاه خاصی را منعکس می‌کند که محتوای مثبت یا منفی را دربر دارد. برای مثال در جمله «او خدای دروغ است»، «خدای دروغ» نامی است که به شخص مورد نظر داده شده و منعکس‌کننده دیدگاه منفی شخص گوینده به مخاطب خود است. به علاوه، واژه «خدا» بار معنایی را با خود به همراه دارد که شنونده را بیشتر تحت تأثیر قرار می‌دهد. در جمله «زهرة درد بی درمان پدرش است»، گوینده با استفاده از نام «درد بی درمان» مشکلات و ناراحتیهای مرد را به خوبی توصیف

می‌کند و نه تنها دیدی منفی از زهره به شنونده القا می‌کند بلکه مرد را رهایی ناپذیر از این مصیبت می‌داند. بنابراین نام دهی، ایدئولوژیهای حاکم را به روشنی نشان می‌دهد. به علاوه، گوینده می‌تواند از این طریق تأثیر و اهمیت کسی یا چیزی را کاهش یا افزایش دهد. برای مثال، وقتی که در جمله «دولت برای شهر تنبیه کوچکی در نظر گرفت و شهر را تخریب کرد»، گوینده تخریب وسیع یک شهر را «تنبیه کوچک» می‌خواند عمل ظالمانه دولت را تخفیف می‌دهد و این چنین وانمود می‌کند که آن، نتیجه کاری است که خود مردم انجام داده‌اند و هیچ اتفاق مهمی نیفتاده است و در واقع موضوع عمل و عکس‌العمل بوده است.

## 2. اسم‌سازی

اسم‌سازی در واقع نوعی گشتار است که در آن جمله یا بخشی از جمله که توصیف کنش‌گر یا کنش‌پذیر است تبدیل به اسم می‌شود. این اسم، کوتاه شده و معنی‌دار است. در این فرایند، معمولاً یک جمله تبدیل به یک تک کلمه می‌شود که کنش‌گر و کنش‌پذیر یا یکی از آنها مخفی می‌ماند. می‌توان این رویداد را چنین نشان داد:

کارمندان به حقوقشان اعتراض کردند ← اعتراض (کارمندان)

در فرایند اسم‌سازی، کنش‌گر یا کنش‌پذیر یا هر دو حذف می‌شوند. اگرچه به طور قطع کنش‌گر یا کنش‌پذیری وجود داشته است، هویت آنها پنهان می‌ماند. می‌توان در مورد هویت آنها حدس زد اما هرگز نمی‌توان مطمئن بود. آنچه حاضر است فعل است و در واقع عملی که انجام شده است؛ و به این صورت توجه ما به آنچه حاضر است جلب می‌شود و از آن چه حضور ندارد و تحت پنهان کاری قرار گرفته، دور می‌ماند. بنابراین، گفته توسط گوینده سمت و سوی دیگری می‌یابد و دید ما تحدید می‌شود. افعال معمولاً در مورد کنش یا حالتی هستند و در زمان خاصی واقع می‌شوند. از طرف دیگر، اسمها در مورد اشیاء، ایده‌های انتزاعی و تصورات هستند. اگر کنش‌پذیر حذف نشود و فقط کنش‌گر محذوف گردد، اسم تولید شده اطلاع رسان‌تر خواهد بود؛ همان‌طور که در زیر نشان داده شده است.

در اسم‌سازی اول کنش‌پذیر حاضر است و کنش‌گر غایب، در حالی که در فرایند اسم‌سازی دوم، کنش‌گر و کنش‌پذیر هر دو غایب هستند.  
علی سگها را می‌کشد و این کار به او لذت می‌دهد.

↓  
1) کشتن سگها به او لذت می‌دهد.

در این فرایند کنش پذیر حاضر است و کنش گر حذف شده. بنابراین، این که «او» چه کسی است مشخص نیست.

علی سگها را می کشد و این کار به او لذت می دهد.

(2) کشتن به او لذت می دهد. ↓

در این فرایند هم کنش گر و هم کنش پذیر حذف شده اند. بنابراین، شنونده نمی داند که کشتن چه چیز یا چه کسی به شخص لذت می دهد و ممکن است تصور شود که کشتن انسان به او لذت می دهد و در این صورت شخص ظالم تر به نظر خواهد آمد.

بنابراین، فرایند اسم سازی بر دو نوع است؛ یعنی دو گزینه برای انتخاب از جانب گوینده وجود دارد. دادن اطلاعات کمتر، یا به عبارتی پنهان کردن بیشتر به معنای دیدن و اندیشیدن محدودتر خواهد بود. اسم ساخته شده توسط فرایند اسم سازی می تواند در ساختارهای جدید به کار رود؛ همان طور که در نمونه بالا «کشتن» به عنوان فاعل در جمله بعدی به کار رفته است (کشتن به او لذت می دهد). هنگامی که اسمها به عنوان کنش گر، کنش پذیر و ... به کار می روند، امکان تعبیر کمتری وجود دارد. به علاوه، دلایل ساده تری را می توان ارائه داد در حالی که دلایل بسیار پیچیده تری وجود دارد.

### 3. جملات مجهول در مقابل معلوم

کنش گر را می توان عمداً حذف کرد؛ و این کار توسط گشتار مجهول ساز انجام می گیرد. گشتار مجهول ساز ترتیب کنش گر و کنش پذیر را عوض می کند. مثلاً:

مریم کیک را خورد ← کیک توسط مریم خورده شد (یا کیک

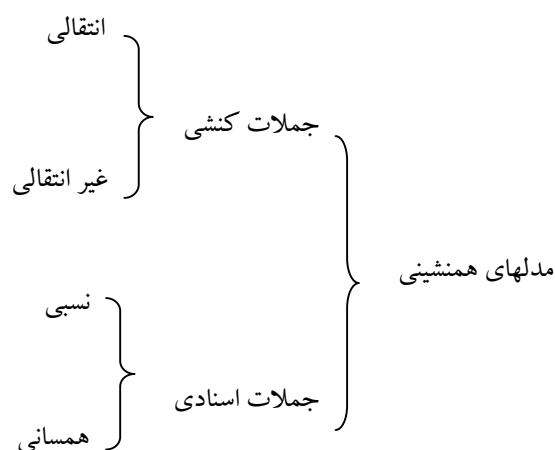
خورده شد)

در جمله اول، جمله معلوم، موضوع جمله، کنش گر (مریم) است؛ ولی در جمله دوم، جمله مجهول، موضوع جمله از کنش گر به کنش پذیر تغییر می کند؛ و این امر توسط گشتار مجهول ساز صورت می پذیرد. در ساختار مجهول، کنش گر به صورت مستقیم با فعل مرتبط نیست، بلکه از طریق حرف اضافه «توسط» به فعل مربوط می شود. بنابراین، ارتباط بین کنش گر و فرایند جاری (فعل) کم رنگ می شود و این بدین معناست که رابطه علت و معلولی ضعیف می گردد. فعل «بودن» نیز در ساختار مجهول حضور می یابد، و فعل اصلی از یک کنش به یک حالت یا یک صفت تغییر می کند. کنش گر نیز ممکن است حذف شود. برای مثال، در نمونه بالا، مریم ممکن است حذف شود و جمله به صورت «کیک خورده شد» بیان شود. در این صورت، علت و انگیزه اصلی (مریم) حذف شده

است و دیگر اهمیتی نخواهد داشت. از طرفی مشخص نخواهد بود که چه کسی کیک را خورده است.

#### 4. جملات کنشی در مقابل جملات اسنادی

جملات کنشی و جملات اسنادی دو مقوله تشکیل دهنده از آنچه هاج و کرس مدل‌های همنشینی (syntagmatic models) می‌نامند، هستند. هر مقوله خود از دو جزء تشکیل شده است که در زیر نشان داده شده است:



در مدل اول، دو عنصر توسط یک فرایند به یکدیگر مربوط می‌شوند؛ یکی از آنها دلیل عمل و دیگری اثر پذیرفته از عمل است. در اینجا عملی از کنش‌گر به کنش‌پذیر منتقل می‌شود. این مدل را هاج و کرس، مدل انتقالی (transactive model) نامیده‌اند. در جمله «مجید مرتضی را زد» عمل زدن از کنش‌گر (مجید) به کنش‌پذیر (مرتضی) منتقل می‌شود؛ و در نتیجه، جمله انتقالی است. «مریم میلاد را ترساند»، «معلم دانش‌آموزان را از کلاس بیرون کرد» و «همسایه‌ها مرد غریبه را زندانی کردند»، همه، جملات کنشی انتقالی هستند که در آنها به ترتیب کنش «ترساندن»، «بیرون کردن» و «زندان کردن» از کنش‌گر به کنش‌پذیر منتقل شده است.

در مدل دوم، یک مقوله در حداقل ارتباط با یک پروسه است. از آنجا که تنها یک مقوله وجود دارد، مشخص نخواهد بود که این مقوله دقیقاً تأثیرگذار است یا تأثیرپذیر. این مدل، مدل غیر انتقالی (non-transactive model) خوانده می‌شود. در جمله «مینا می‌دود» تنها یک مقوله یعنی «مینا» و یک پروسه یعنی «دویدن» وجود دارد. اما



موقعیت مینا کاملاً مشخص نیست. مینا کنش‌گر نیست، چون دلیل انجام کاری یا باعث وقوع عملی نشده است؛ همچنین او کنش‌پذیر نیست؛ مینا تنها در یک فرایند درگیر است، اما به چه صورت، مشخص نیست. جملات «لیلا درس می‌خواند»، «فردا به آنجا می‌روم» و «مادرم غذا می‌پزد»، همگی کنشی و غیرانتقالی هستند. در تمام این جملات کنش یا عملی رخ می‌دهد ولی کنش‌پذیری وجود ندارد؛ و به بیانی دیگر کنشی انتقال نمی‌یابد.

مدلهای انتقالی و غیرانتقالی هر دو کنشی هستند، و مدلهای کنشی یا جملات کنشی خوانده می‌شوند. انگیزه و دلیلی که در مدل انتقالی مطرح می‌شود مشخص است، در حالی که در مدل غیرانتقالی نامشخص است. اگر علت و روابط علت و معلولی مد نظر نویسنده باشد، بهترین مدل، مدل انتقالی است.

مدلهای انتقالی و غیرانتقالی، با گذرا (transitive) و ناگذر (intransitive) متفاوت‌اند. انتقالیها و غیرانتقالیها برای نشان دادن معنای مدلهای به کار می‌روند، ولی گذرا و ناگذر برای نشان دادن ساختار کاربرد دارند. هر ساختاری که به صورت (اسم - فعل - اسم) باشد، گذرا نامیده می‌شود؛ بنابراین، «مجید مرتضی را دوست دارد»، «مریم مینا را می‌شناسد» و «شیوا هندوانه می‌خورد»، همگی گذرا هستند؛ ولی مشخص است که هیچ یک از آنها انتقالی نیستند؛ در هیچ یک از این جملات عملی از کنش‌گر به کنش‌پذیر منتقل نشده است. گذرا و ناگذر برچسبهایی هستند برای ساختارهایی با ساخت مشخص. در حالی که انتقالی و غیرانتقالی برچسبهایی هستند برای مدلهایی با معنای مشخص. یک جمله گذرا ممکن است انتقالی یا غیر انتقالی باشد.

مدل سوم، دربرگیرنده کنش یا عملی نیست بلکه یک رابطه، بین یک مقوله و یک کیفیت است. این مدل را مدل نسبی (attributive model) می‌نامند. جمله «مریم باهوش است» نمونه‌ای ساده از مدل نسبی است که در آن مریم صفت «باهوش» را به خود اختصاص داده است. «کلاس گاهی خسته کننده است»، «استاد همیشه صبور است» و «مردم این منطقه فقیر هستند»، همگی جملات نسبی هستند که در تمام آنها صفتی به کسی یا کسانی نسبت داده شده است. این مدل معمولاً برای توصیف به کار می‌رود.

مدل آخر نیز در بردارنده کنش نیست، بلکه رابطه‌ای ساده بین دو مقوله و یا دو اسم را بیان می‌کند. این مدل همسانی (equative) نامیده می‌شود. برای مثال، در جمله «مریم بلندترین دختر کلاس است»، رابطه‌ای ساده و یکسان بین مریم و بلندترین دختر کلاس وجود دارد و هر دو مقوله یکی هستند. در جملات همسانی معمولاً ارزشی یکسان به دو مقوله داده می‌شود؛ و در واقع در این جملات یک مقوله با مقوله دیگر برابر است. جملات

«بی شک جلال نماینده کلاس می شود» و «آن مرد پیر قاضی دادگاه است»، نمونه‌هایی از جملات همسانی هستند.  
مدلهای نسبی و همسانی، مدلهای اسنادی یا جملات اسنادی هستند.

### نتایج و یافته‌ها

متن 1) «The Midnight Visitor» دومین متن درک مطلب از درس 2، صفحه 29

#### 1-1- پیش زمینه ایدئولوژیکی

در این متن نویسنده بر آن است تا چهره‌ای متفاوت از یک پلیس مخفی ارائه دهد. چهره‌ای متفاوت از آنچه خواننده از یک پلیس بین‌المللی در ذهن دارد. آنچه کارآگاه این متن را متفاوت جلوه می‌دهد نه تنها ظاهر او که هوش و ذکاوتش است. او با آنکه از اسلحه‌اش استفاده نمی‌کند، به راحتی دشمنش را شکست می‌دهد.

#### 2-1- نمونه‌هایی از ساختارهای گفتمان مدار

##### نام‌دهی

در پاراگراف چهارم، آسبل «مرد چاق و چله» (a sloppy fat man) خوانده شده است. این نام بیانگر ظاهر غیرمعمول برای یک مأمور مهم است. برخلاف آنچه در داستانها در مورد پلیسهایی مثل جیمز باند می‌خوانیم که بلند قد، لاغراندام و خوش تیپ هستند، در این داستان با ظهور ظاهری متفاوت به جذابیت داستان افزوده شده است.

##### اسم‌سازی

در این متن، پنج فرایند اسم‌سازی اتفاق افتاده ولی هیچ کدام گفتمان مدار نیستند؛ و از ذکر آنها خودداری شده است.

##### جملات مجهول در مقابل معلوم

هنگامی که نویسنده در پاراگراف پنجم، جمله «that paper may well affect the course of history» را می‌آورد، فاعل جمله که باعث رخداد فعل و کنش است به وضوح بیان شده و در واقع موضوع اصلی جمله است. ولی هنگامی که در پاراگراف نهم نویسنده جمله «the report that is being brought to you tonight» را بیان می‌کند، آورنده نامه یعنی کنش‌گر مهم نیست؛ آنچه اهمیت دارد «گزارش» است؛ و بنابراین کنش‌گر حذف شده است.

جملات کنشی در مقابل جملات نسبی

در پاراگراف اول، "Ausable did not fit the description of any secret agent" جمله‌ای کنشی و غیر انتقالی است.

در پاراگراف دهم، "I'm going to raise the devil with the management this time" جمله‌ای کنشی و انتقالی است.

در پاراگراف سوم، "Ausable was, for one thing, fat, very fat" جمله‌ای اسنادی و نسبی است که در آن صفت چاقی به آسبل نسبت داده شده است.

در کل متن فقط یک نمونه از جملات همسانی وجود دارد که آن نیز گفتمان مدار نیست؛ و از ذکر آن خودداری شده است.

در جدول زیر فراوانی ساختارهای گفتمان مدار در این متن آورده شده است:

جدول 1 فراوانی ساختارهای گفتمان مدار متن درک مطلب "The Midnight Visitor"

نام دهی	14
اسم‌سازی	0
جملات معلوم	105 و مجهول 5
جملات کنشی انتقالی	11 و غیر انتقالی 94
جملات اسنادی نسبی	17 و همسانی 0

متن 2) "Sonar for the Blind" سومین متن درک مطلب از درس 6، صفحه 101

2-1- پیش زمینه ایدئولوژیکی

در این متن تلاش بر این است که خواننده دریابد که یک کودک نابینا از چه نعمتهایی محروم است و چگونه دانشمندانی علاوه بر بررسیهای خود می‌کوشند که به او کمک کنند تا با کمک یک دستگاه ردیاب صوتی اجسام اطراف خود را به نوعی ببیند و به محرکها پاسخ دهد.

2-2- نمونه‌هایی از ساختارهای گفتمان مدار

نام‌دهی

در پاراگراف سوم، «سوژة ایدئال» (an ideal subject) نامی است که دانشمندان به کودک نابینا برای آزمایش خود داده‌اند.

## اسم‌سازی

در پاراگراف پنجم، “standing on her knee and facing her directly...” دو کلمه “standing” و “facing” دو نمونه از فرایند اسم‌سازی است، اما هیچ کدام گفتمان مدار نیستند، چون نه کننده کار و نه کنش پذیر هیچ کدام حذف نشده‌اند؛ و بنابراین در شمارش مقوله اسم‌سازی به حساب نیامده‌اند.

## جملات مجهول در مقابل معلوم

جملات “he was treated” در پاراگراف دوم و “the teething biscuit was held in front of Dennis” در پاراگراف ششم نمونه‌هایی از جملات مجهول هستند.

## جملات کنشی در مقابل جملات نسبی

در پاراگراف اول، “Dennis is learning to identify the people” نمونه‌ای از جمله کنشی و غیر انتقالی است.

در پاراگراف هفتم، “the device will help Dennis cope with his surroundings” جمله‌ای کنشی و انتقالی است.

در پاراگراف اول، “A blind baby is doubly handicapped” جمله‌ای اسنادی و نسبی است و جمله “Now the ten-month-old son of Dr. and Mrs. Dennis Daughters of San Ramon. Calif., is the subject of an unusual psychological experiment...” نمونه از جملات همسانی است.

در زیر فراوانی تمام ساختارهای گفتمان مدار در این متن آورده شده است:

جدول 2 فراوانی ساختارهای گفتمان مدار متن درک مطلب “Sonar for the Blind”

نام دهی	4
اسم‌سازی	0
جملات معلوم	61 و مجهول 16
جملات کنشی انتقالی	6 و غیرانتقالی 55
جملات اسنادی نسبی	7 و همسانی 5

متن 3) "Pockety Women Unite?" اولین متن درک مطلب از درس 10، صفحه 160

3-1- پیش‌زمینه ایدئولوژیکی

این متن سعی دارد به خواننده جایگاه زنان در جامعه را یادآوری کند. نویسنده در صدد اثبات رابطه قدرت با تعداد جیبهای لباس است؛ و در نهایت، زنان با داشتن جیبهای کمتر، محکوم به جایگاه و قدرت پایین‌تری هستند.

3-2- نمونه‌هایی از ساختارهای گفتمان مدار

نام‌دهی

در پاراگراف دوازدهم، «زن بی‌جیب» (pocketless woman) نمونه‌ای از نام‌دهی است.

اسم‌سازی

هیچ نمونه‌ای از فرایند اسم‌سازی در این متن وجود ندارد.

جملات مجهول در مقابل معلوم

در پاراگراف پنجم، "Paranoid" they were meant to suffer "to remind women that ... to remind women that" جمله‌ای که زیر آن خط کشیده شده است یک جمله مجهول است.

جملات کنشی در مقابل جملات نسبی

در پاراگراف اول، جمله "men get the best jobs..." کنشی و غیر انتقالی است. در پاراگراف هشتم، جمله "people presumably ... how to run the world" کنشی و انتقالی است.

در پاراگراف پنجم، "the pantsuit,....., is usually equally pocketless" جمله‌ای اسنادی و نسبی است.

در پاراگراف اول، "pockets are what women need more of" جمله‌ای اسنادی و همسانی است.

در جدول زیر فراوانی ساختارهای گفتمان مدار در این متن آمده است:

جدول 3 فراوانی ساختارهای گفتمان مدار در متن درک مطلب "Pockety Women Unite?"

نام دهی	10
اسم سازی	0
جملات معلوم	71 و مجهول 10
جملات کنشی انتقالی	4 و غیر انتقالی 67
جملات اسنادی نسبی	4 و همسانی 3

متن 4) "The 800 Lifetime" متن بلند درک مطلب درس 15، صفحه 241

#### 4-1- پیش زمینه ایدئولوژیکی

آلومین تفلر سعی دارد تصویری از دنیای امروز تغییرات ارائه دهد. مردم در تغییرات سریع و مداوم غرق هستند. تغییرات جنبه‌های مختلف زندگی ما را تحت تأثیر قرار می‌دهد، ارتباطاتمان، تولیدات و سازمانهای ما مدام تحت تأثیر تغییرات اند؛ حتی دوستی و عشق نیز تابع این تغییرات اند. عکس العمل انسانها به این تغییرات متفاوت است. عده‌ای پا به پای آن پیش می‌روند و عده‌ای نمی‌توانند با سرعت تغییرات هماهنگ شوند، و در نتیجه باز می‌مانند.

#### 4-2- نمونه‌هایی از ساختارهای گفتمان مدار

##### نام دهی

در پاراگراف پنجم، بیماری که تغییرات به وجود می‌آورند، «شک آینده» (future shock) خوانده شده است.

##### اسم سازی

هیچ گونه فرایند اسم سازی گفتمان مدار در این متن یافت نشد.

##### جملات مجهول در مقابل معلوم

در پاراگراف هشتم، جملات "Intelligent steps are taken to combat it..." به ترتیب مجهول و معلوم هستند. "intelligent steps" که تحت تأثیر کنش گر محذوفی است، خود کنش گر جمله معلوم بعد است.

##### جملات کنشی در مقابل جملات نسبی

در پاراگراف اول، "Millions of ordinary, psychologically normal people will face..."

”a sudden confrontation with the future“ جمله‌ای کنشی و غیرانتقالی است.  
 در پاراگراف پنجم، ”... a force that..... compels us...“ جمله‌ای کنشی و انتقالی است که تغییرات به عنوان نیروی کنش‌گری است که انسانها را تحت تأثیر کنش خود قرار می‌دهد.

در پاراگراف هفتم، ”future shock is the frightening disorientation...“ جمله‌ای اسنادی و نسبی است.  
 در پاراگراف یازدهم، ”the result is mass disorientation“ جمله‌ای اسنادی و همسانی است.

در جدول زیر فراوانی ساختارهای گفتمان مدار این متن آورده شده است:

جدول 4 فراوانی ساختارهای گفتمان مدار متن درک مطلب ”The 800th Lifetime“

نام‌دهی	20
اسم‌سازی	0
جملات معلوم	151 و مجهول 23
جملات کنشی انتقالی	31 و غیرانتقالی 120
جملات اسنادی نسبی	20 و همسانی 18

#### بحث

چهار متن درک مطلب انتخاب شده از لحاظ وجود ساختارهای گفتمان مدار بر اساس چهارچوب هاج و کرس (1996) بررسی شد. برای هر فرایند یک نمونه در تمام متون برای درک بهتر خواننده ارائه گردید، سپس فراوانی ساختارهای گفتمان مدار هر متن به صورت جدول داده شد. حال به بررسی کل فراوانی ساختارهای گفتمان مدار در کل چهار متن می‌پردازیم. این فراوانی در جدول زیر آمده است:

جدول 5 فراوانی تمام ساختارهای گفتمان مدار در چهار متن درک مطلب انتخابی

نام‌دهی	48
اسم‌سازی	0
جملات معلوم	388 و مجهول 54
جملات کنشی انتقالی	52 و غیرانتقالی 336
جملات اسنادی نسبی	48 و همسانی 26

همان‌طور که مشاهده می‌شود، چهل و هشت مورد نام دهی در کل این متون وجود دارد. البته متذکر می‌شویم که ما در این تحقیق تنها مقوله‌های گفتمان مدار را مد نظر قرار داده‌ایم. مثلاً "a seven-year-old child" یک مقوله نام‌دهی است که در شمارش مقوله‌های نام‌دهی در نظر گرفته نشده است، چرا که این نمونه از نوع گفتمان مدار نیست و گوینده ایدئولوژی خاصی را در آن جای نداده است. تعداد نام‌دهیهای گفتمان مدار در این متون اندک است و در عین حال این نام‌دهیها جهت‌گیری خاصی ندارند. برای مثال نام "romantic figure" که به عنوان مقوله نام‌دهی گفتمان مدار شمارش شده، تنها برای درک بهتر و توصیف محض شخصیت بدون هیچ سوگیری است. تمام چهل و هفت مورد دیگر نیز وضعیت یکسانی دارند.

هیچ مورد فرایند اسم‌سازی در این متنها اتفاق نیفتاده و از این رو به نظر می‌رسد که نویسنده قصد پنهان ساختن کنش گر یا کنش‌پذیر را نداشته است. این واقعیت را تعداد جملات مجهول در مقایسه با جملات معلوم نیز تأیید می‌کنند؛ چرا که تعداد جملات معلوم بیش از هفت برابر تعداد جملات مجهول است. نکته مهم دیگر این است که در جملات مجهولی که به عنوان جملات گفتمان مدار در نظر گرفته شده‌اند و به نظر می‌رسد آگاهانه از جانب نویسنده انتخاب شده‌اند تا اهمیت موضوع از کنش گر به کنش‌پذیر منتقل شود، هویت کنش گر از طریق بافت متن کاملاً آشکار است؛ و بنابراین در این جملات هیچ پنهان‌سازی معنی‌داری وجود ندارد.

مقایسه تعداد جملات کنشی انتقالی نسبت به غیر انتقالی گواه این مطلب است که نویسنده کمتر کسی را کنش گر و در واقع کنترل‌کننده و تأثیرگذار بر دیگری قرار داده، و به زبانی دیگر، سعی کرده است کمتر افراد و یا حوادث را محکوم کنشی یا متأثر از عملی قرار دهد. چون همان‌طور که قبلاً توضیح داده شد، در جملات کنشی انتقالی همیشه شخصی یا چیزی دلیل انجام کنشی است که این کنش شخص یا چیزی را مورد تأثیر قرار می‌دهد و در واقع شخص کنش گر در موقعیت مهم‌تر و تأثیرگذارتری است و شخص کنش‌پذیر محکوم اوست. درحالی که در جملات کنشی غیر انتقالی، موقعیت کنش گر موقعیت بالاتر و بهتری نسبت به کسی یا چیزی نیست، چرا که تنها یک شخص یا یک چیز وجود دارد که کنش گر است ولی عمل وی کس دیگری را تحت تأثیر قرار نمی‌دهد. بنابراین، چنین به نظر می‌رسد که نویسنده در این متون محافظه کارانه عمل کرده تا کسی یا چیزی را محکوم دیگری نکند.

جملات اسنادی نسبی نیز تقریباً دو برابر جملات همسانی هستند و این گویای این



واقعیت است که نویسنده بیشتر به توصیف و تصویرسازی شخصیتها و حوادث مایل بوده است و آنها را با دیگر مقوله‌ها به طور مطلق برابر ندانسته است؛ در عین اینکه این توصیفها و برابر سازیها (که تعدادشان اندک است) هیچ کدام مغرضانه یا محکوم کننده نیستند. مثلاً جمله "the man was fat"، یک جمله اسنادی نسبی گفتمان مدار است که نویسنده تنها برای ایجاد تصویری ذهنی از شخصیت داستان بیان کرده است، اما هیچ گونه سوگیری در آن وجود ندارد؛ یا جمله "the window was an ordinary window" جمله‌ای اسنادی و همسانی است که در واقع فقط توصیفی از فضای داستان را بیان می‌کند.

### نتیجه‌گیری

بنابر آنچه گفته شد، می‌توان نتیجه گرفت که نویسنده کتاب "Reader's Choice" متونی را برای درک مطلب انتخاب کرده که از سمت و سوگیری، محکوم کردن کسی یا چیزی و پنهان کاری تا حد ممکن به دور بوده است؛ و این حسن نظر مسلماً بر خواننده متن تأثیرگذار است و اعتماد و آرامش بیشتری را در حین خواندن به ارمغان می‌آورد. تاتنیکلز (2013) در مقاله خود درباره انقلاب فرهنگی و روان‌شناختی مذهب اظهار می‌کند که تمام انسانها از نظر روان‌شناختی نسبت به اعتقادات و باورهای خود متعصب هستند؛ لرد و همکاران (1979) این اعتقادات را بر ترجیحات انسانها مؤثر می‌دانند؛ و دیویز (2012) تأکید می‌کند که قوی‌ترین استدلالها که مغایر اعتقادات گروه خاصی است قطعاً مطرود می‌شوند. اگر کتاب، فیلم، و یا هر ابزار اطلاعاتی القاکننده اعتقادات خاص و یا تحقیرکننده آن باشد، مسلماً از سوی عده‌ای مورد مخالفت قرار می‌گیرد. نکته مهم دیگر در نگارش متون، مسئله پنهان‌سازی است. باک (1989) در کتاب «رازها» یش در مورد اخلاق پنهان‌سازی نوشته است؛ او پنهان کاری عمدی را گاهی مخرب می‌داند. به نظر باک هنگامی که خواننده یا شنونده تیزبین به پنهان کاری آگاهانه نویسنده یا گوینده پی ببرد دیگر هرگز به او اعتماد نمی‌کند و حتی مستندترین موضوعات عنوان شده از جانب آن گوینده یا نویسنده با بی‌اعتمادی محکوم خواهد شد. کتابهای آموزشی نیز از این امر مستثنی نیستند. اگر متنی دارای جهت‌گیری و سمت و سوی فرهنگی، سیاسی، شخصی و ... باشد یا به پنهان کاری و دوپهلویی پردازد، زبان آموز به عنوان خواننده متن، درگیر مسائل جانبی و جدای از یادگیری خواهد شد و نسبت به نویسنده و متن بی‌اعتماد می‌گردد و این خود باعث کم رنگ شدن انگیزه زبان آموز و یا هر دانش جو می‌گردد؛ بنابراین، پیشنهاد می‌شود که با توجه به اهمیت آموزش، نویسندگان متون، به خصوص متون آموزشی

و بالاخص متون آموزش زبان خارجی که مسلماً بیشتر در معرض اعتقادات متفاوت فرهنگی، اجتماعی و سیاسی هستند، به این نکته توجه کنند و آن را در انتخاب متون در نظر بگیرند. برای اطمینان از پرهیز از پنهان کاری و هر نوع جهت گیری، می توان از مدل های تحلیلی انتقادی همچون مدل اعمال شده در این تحقیق بهره برد، و همان طور که ملاحظه شد، این مدل (هاج و کرس، 1996) خصوصاً در دستیابی به این هدف بسیار عملی و کاربردی است.

### منابع

#### الف) فارسی

- آقا گل زاده، فردوس (1386). تحلیل گفتمان انتقادی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی
- دواتگرزاده، گلنار (1386). بازنمایی کارگزاران اجتماعی در کتاب های "Interchange"، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.
- دقت، سارا (1388). تحلیل گفتمان انتقادی سخنان کاندیداهای ریاست جمهوری 2008 حزب دموکرات با توجه به جنس و نژاد، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.
- خسروی نیک، محمد (1379). رابطه ساختارهای ایدئولوژیکی و گفتمان مدار سرمقاله ها و یادداشتهای سردبیران در نمونه هایی از روزنامه های ایرانی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.
- قنبری، لیلا (1383). مطالعه ی تطبیقی داستانهای معاصر کوتاه نوجوانان و بزرگسالان در چهارچوب تحلیل گفتمان انتقادی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.
- نوروزی، فاطمه (1385). بازنمایی شخصیت زنان در داستان: مطالعه موضوعی در رمان «رقصندگان»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.
- یارمحمدی، لطف الله (1385). ارتباطات از منظر گفتمان شناسی انتقادی، تهران: هرمس.
- یارمحمدی، لطف الله (1383). گفتمان شناسی رایج و انتقادی، تهران: هرمس.
- یارمحمدی، لطف الله و رشیدی، ناصر (1382). «پژوهشهایی در میزان صراحت یا پوشیدگی پیام در گزیده سرمقاله های روزنامه های ایران: رابطه بین ساختارهای گفتمان مدار و ساخت های زیربنایی فکری اجتماعی، نامه فرهنگ، 47 (12): 63-75.

#### ب) انگلیسی

- Amal - Saleh. E. (۲۰۰۴). *The representation of social actors in the EFL text books in Iran*. Unpublished ph.D dissertation. Shiraz: Shiraz University.
- Benoit, W. and Henson, J. (۲۰۰۹). President Bush's image repair discourse on Hurricane Katrina. *Public relations review*, ۳۵(۱): ۴۰- ۴۶
- Bok, S. (۱۹۸۹). *Secrets: On the Ethics of Concealment and Revelation*. New York: Vintage
- Boutain, D. (۱۹۹۹). Critical language and discourse study: Their transformative relevance for critical nursing inquiry. *Advances in Nursing Science*, ۲۱: ۱-۸
- Brantmier, C. (۲۰۰۳). Does Gender Make a Difference? Passage content and comprehension

- in second language reading. *Reading in a Foreign Language*, ۷۱۰(۱)
- Collins, C. (۱۹۹۹). The pragmatics of emancipation: A critical review of the work of Michael Huspek. *Pragmatics*, ۲۰(۶): ۷۹۱-۸۱۷
- Delinger, B. (۱۹۹۰). *Critical discourse analysis*. Retrieved December, ۲۰۱۰ from <http://users.utu.fi/bredelli/cda.html>.
- Deweese, J. (۲۰۱۲). *Doing Philosophy as a Christian*. New York: IVP Academic
- Easter, M. (۲۰۰۸). Freedom in speech: Freedom and liberty in U.S. presidential campaign discourse, ۱۹۵۲-۲۰۰۴. *Poetics*, ۳۶(۴): ۲۶۵-۲۸۶
- English, L. (۲۰۱۲). Financial Literacy and Academics: A Critical Discourse Analysis. *Cjsae*, ۲۰ (۱): ۳۶
- Fairclough, N. (۱۹۹۳). *Critical discourse analysis: The critical study of language*. London: Longman
- Feighery, W. (۲۰۱۳). Reading tourism texts in context: A critical discourse analysis. *Tourism analysis*, ۱۱ (۲۰۰۶): ۱-۱۱.
- Fouziyeh, F. (۲۰۰۴). *The Comparison of Critical discourse analysis of children and adult's short stories*. Unpublished M.A. Thesis. Shiraz: Shiraz University.
- Galasiski, S and Marley, C. (۱۹۹۸). *Agency in foreign news: A linguistic complement of a content analytical study*. Uk: University of Wolverhampton
- Haz, et.al.(۱۹۹۶). *Actional and relational verbs in newspapers editorials*. Retrieved January, ۲۰۱۱ from <http://www.thefreelibrary.com/Actional+and+Relational+verbs+in+newspaper+editorials.-a۰۹۲۹۱۳۰۷۳>
- Hobson, H. (۲۰۰۳). *A discussion of representation of masculinity and femininity in Badenpowell's ۱۹۱۹ handbooks for scouts and guides using the frameworks of Theo vanleeuwen, within the tradition of critical discourse analysis*. Retrieved September, ۱۱, ۲۰۱۰, from <http://www.lancs.ac.uk/fss/courses/ling۲۰۱/res/diss/hobson.pdf>.
- Hodge, R and Kress, G.(۱۹۹۶). *Language as Ideology*. Great Britain: Redwood books
- Honoratha, M. (۲۰۱۰). Critical discourse analysis (CDA) of academic texts: A potential strategy in addressing challenges of cross-border provision of higher education in sub-Saharan Africa. *Huria Journal*, ۸ (۱): ۶۸-۸۰
- Horváth J. (۲۰۰۹). *Critical discourse analysis of obama's political discourse*. International Conference of Language, Literature and Culture in a Changing Transatlantic World, University of Prešov.
- Kaur, et.al. (۲۰۱۲). Beauty product advertisements: A critical discourse analysis. *Asian social science*, ۹ (۳)
- Li, G. (۲۰۱۰). Transitivity and lexical cohesion: Press representations of a political disaster and its actors. *Pragmatics*, ۴۲(۱۲): ۳۴۴۴-۳۴۵۸
- Lord, et.al. (۱۹۷۹). Biased assimilation and attitude polarization: The effects of prior theories on subsequently considered evidence. *JPSP*, ۳۷, ۲۰۹۸-۲۱۰۹
- Mahdian, et.al. (۲۰۱۳). Applying critical discourse analysis in translation of political speeches and interviews. *Academic journal of interdisciplinary studies*, ۲ (۱): ۳۰
- Mavunga, G. (۲۰۱۳). A critical discourse analysis of pavement advertisements of herbal medicine and spiritual healing services in Central Johannesburg. *Communicatio: South African journal for communication theory and research*, ۳۹ (۱): ۵۸-۱۰۱
- Mazid, B. (۲۰۰۹). Date-palms, Language and the Power of knowledge: An Analysis of a Fable From Kalila and Dimna. *Pragmatics*, ۴۱(۱۲): ۲۵۱۰-۲۵۳۴
- Mohasel Bashough, M. (۲۰۰۳). *A Critical Functional discourse analysis of ELT textbooks: A need for empancipation*. Unpublished M.A.Thesis. Tehran: Alzahra University.

- Najafian, M and Ketabi, S. (۲۰۱۱). Advertising social Semiotic representation: A critical approach. *International journal of industrial marketing*, ۱ (۱)
- Otlowski, M. (۲۰۰۳). Ethnic diversity and gender bias in EFL textbooks. *Asian EFL Journal*, ۰(۲): ۱-۱۰.
- Smith, R. (۲۰۰۲). Young children's interpretations of gender from visual text and narrative. *Linguistics and Education*, ۷(۴): ۳۰۳-۳۲۰
- Van Dijk, D.A.(۱۹۹۸). *Critical discourse analysis*. Retrieved September, ۲۰۱۰ from <http://www.hum.uva.nl/~teun/cda.html>
- Tatenicols, R. (۲۰۱۳). *The psychology and cultural evolution of religion predicts bias in philosophy of religion*. Britain: Columbia University Press
- Wang, J. (۲۰۱۰). A critical discourse analysis of Barack Obama's speeches. *Journal of language teaching and research*, ۱ (۳): ۲۰۴-۲۱۱